

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره اول (پیاپی ۳۱)، بهار ۱۳۹۹

شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی X۴۷۶۶-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

صفحات ۱۴۸-۱۳۱

تحلیل قابلیت‌های طرح‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی در مناطق زلزله‌زده روستایی

مورد: شهرستان ثلاث و باباجانی

کیومرث ایراندوست؛ دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.
داود جمینی؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

چکیده

سکونتگاه‌های مرزی استان کرمانشاه به‌ویژه روستاهای شهرستان ثلاث و باباجانی از نظر برخورداری از شاخص‌های توسعه به‌ویژه در زمینه اقتصادی و زیرساختی، از محروم‌ترین روستاهای کشور هستند. باوجود محرومیت‌های موجود، در سال ۱۳۹۶، زمین‌لرزه زیان‌باری بنیادهای معیشتی و کالبدی ناتوان آن‌ها را بیش‌ازپیش سست کرد. در چنین شرایطی برنامه‌ریزی توسعه برای نگاهداشت جمعیت و بازسازی بنیان اقتصادی و معیشتی روستاها از بنیادی‌ترین نیازها به‌شمار می‌رود. سوال اساسی این پژوهش کاربردی که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، عبارت است از: برای بهبود جایگاه کنونی توسعه این روستاها کدام پروژه‌ها در اولویت قرار دارند؟ برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، افزون بر مستندات مرکز آمار، ترکیبی از ابزار پرسشنامه، مصاحبه و برگزاری نشست‌های گروهی استفاده شده است. دستاوردهای پژوهش نشان داد روستاهای موردبررسی در سه دوره سرشماری گذشته، دارای نرخ رشد منفی ۱/۶۸ بوده و تنها سرچشمه درآمد نزدیک به ۹۰ درصد خانوارها یارانه بوده است. بر پایه یافته‌های مدل سوات درخورترین راهبرد توسعه روستایی، راهبرد رقابتی - تهاجمی، است که در آن باید بر نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی تمرکز نمود. همچنین نتایج نشان داد که اقتصاد روستاها پیش از زمین‌لرزه نیز با بسته شدن مرز و اثرگذاری گذر تونل انتقال آب قطعه ۲ نوسود - گرد قاسمان و خشکیدن برخی چشمه‌ها دچار چالش بوده است. بر این پایه با مشارکت اجتماع محلی و در راستای توسعه پایدار، پروژه‌های اجرایی و عملیاتی ضروری برای بالا بردن زندگی و بهبود شرایط ارائه شد. بر این اساس از نگاه اقتصادی (فراهم کردن زمینه و بستر بهره‌برداری روستاییان از پروژه انتقال آب منطقه‌ای، ساماندهی فعالیت‌های اقتصادی مرزی به‌صورت هدفمند، توسعه صنایع دستی و مشاغل خانگی و ...)، از نگاه اجتماعی (برگزاری کارگاه‌های گوناگون مانند کاهش استرس، مهارت زندگی، بهداشت خانواده و ...) و از نگاه زیست‌محیطی و کالبدی (مقاوم‌سازی ساخت‌وسازها، راه‌اندازی خانه فرهنگ، تعیین محل جمع‌آوری و مدیریت زباله و پسماند و ...) به‌عنوان اولویت‌های اصلی تشخیص داده شده است.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، توسعه اقتصادی، اقتصاد روستایی، پروژه عمرانی، ثلاث و باباجانی.

* K.irandoost@uok.ac.ir

(۱) مقدمه

اگرچه جوامع روستایی نقش اساسی را در تأمین مواد اولیه غذایی ایفا می‌نمایند (Baldwin et al, 2017: 37؛ Jamini et al, 2017: 27)، اما در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خدماتی، زیربنایی و کالبدی و همچنین مسائل و مشکلات زیست‌محیطی با نارسایی‌های چشمگیری روبه‌رو هستند (ریاحی و نوری، ۱۳۹۳: ۱۱۴؛ حجتی‌پور و جوان، ۱۳۹۹: ۱۹۴) به نحوی که بسیاری از روستاها روبه تخلیه هستند (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹). تجارب نشان می‌دهد که راهبردهای اجرا شده در راستای توسعه این نواحی در گذشته با ناکامی روبه‌رو شده و نتوانسته روند توسعه آن‌ها را پیش ببرد (Riahi and Jamini, 2018: 2). از این‌رو جامعه روستایی به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه در برابر بلایای طبیعی بسیار آسیب‌پذیرتر است که این وضعیت برای جوامع روستایی مرزی ایران نیز قابل توجه بوده و چالش‌های گوناگونی را برای این روستاها پیش آورده است.

سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مرزی ثلاث و باباجانی از دید برخورداری از مؤلفه‌های توسعه از محروم‌ترین سکونتگاه‌های روستایی کشور و استان کرمانشاه هستند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲؛ صیدایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۶). منبع اصلی تأمین معیشت این روستاها علاوه بر زراعت و دامداری سنتی، مبادلات مرزی (رسمی و غیررسمی) با کشور عراق است و این ارتباط دارای ریشه تاریخی است و ساکنان دو سوی مرز دارای پیوند خانوادگی و قومی هستند. در سال ۱۳۹۵ با بسته شدن مرز، امکان فعالیت اقتصادی برای ساکنان بسیار محدود شده است. در چنین شرایطی، در تاریخ ۲۱ آبان ماه سال ۱۳۹۶، زلزله‌ای با قدرت ۷/۲ در مقیاس ریشتر اتفاق افتاد که تلفات جانی و مصدومیت صدها تن از ساکنان، تخریب فیزیکی شدید زیرساخت‌ها و به‌ویژه تخریب ساختمان‌های مسکونی و فضای اقتصادی و معیشتی ساکنان منطقه را به دنبال داشته است.

با توجه به تعدد روستاهای زلزله‌زده (۱۴۸ روستا در شهرستان ثلاث و باباجانی)، در این پژوهش چهار روستای قالیچه، تاکانه، نیمه‌کاره و کانی خنجر به‌عنوان روستاهای نمونه، به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. لازم به یادآوری است که این چهار روستا هدف کمک‌رسانی اولیه و تدوین برنامه توسعه داوطلبانه دانشگاه کردستان بوده‌اند. جمعیت این روستاها طی سال‌های گذشته (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵) با کاهش سالیانه (۱/۶۸- درصد) روبرو بوده است و با بروز زلزله اخیر و تشدید مشکلات روستاییان، مهاجرت و خالی از سکنه شدن روستاها قابل پیش‌بینی است.

این در حالی است که با توجه به حساسیت منطقه و مرزی بودن آن، نگهداری و پایداری جمعیت در این مناطق برای حفظ امنیت و توسعه کشور بسیار مهم است. همچنین در راستای توسعه ملی و منطقه‌ای، ارائه زیرساخت‌ها و امکانات و خدمات این منطقه برای تحقق توسعه و عدالت و برابری میان فضاهای جغرافیایی ضروری است (Shamsodini et al, 2016: 487). با توجه به محرومیت سکونتگاه‌های روستایی و تشدید آن بر اثر زلزله، اکنون داشتن راهبردی منسجم و کارآمد برای توسعه روستاهای منطقه بسیار ضروری است. در این راستا پرسش اساسی این است که ارزیابی جامعه محلی در تشخیص راهبردهای

عملیاتی برای توسعه روستایی چگونه است و با رویکرد مشارکتی چه برنامه‌های عملیاتی را در راستای توسعه روستایی می‌توان به انجام رساند؟

۲) مبانی نظری

در سال‌های اخیر کاهش تعداد و تنوع امکانات در مناطق روستایی به‌ویژه در روستاهای کوچک به دلیل صرفه‌ناشی از مقیاس در شهرها، یکی از چالش‌های اصلی است (Christiaan and Haartsen, 2017: 326). در اکثر کشورها برای بالا بردن انعطاف‌پذیری و توان مقابله روستاها در برابر فشارهای وابستگی به دولت‌ها و فشارهای اقتصاد جهانی، برای توسعه روستایی رویکردهای جدیدی تعریف شده است. در این رویکردها توسعه روستایی بیشتر از نوع راهبرد پایین به بالا است که مبتنی بر اجتماع توانمند محلی بوده و جامعه محلی با همکاری خود، پایه‌های این فرایند را تشکیل می‌دهند (Wellbrock et al, 2014: 420).

در تعریف توسعه روستایی باید احکام توسعه در یک مکان مشخص که روستا نامیده می‌شود، رعایت گردد و با توجه به ساختارهای روستا، باید باعث بهبود وضع موجود شود (کریمی و احمدوند، ۱۳۹۳: ۹۶-۹۵). بررسی‌ها نشانگر این مهم است که ارائه استراتژی‌ها و راهکارهای عملیاتی توسعه روستایی بیشتر از سوی نظریه‌پردازان، برنامه‌ریزان، مجریان حکومتی، کارشناسان و متخصصین توسعه روستایی انجام می‌گیرد (بهرامی همکاران، ۱۳۹۰: ۶۲)، اما واقعیت این است که مشارکت جامعه محلی در فرایند برنامه‌ریزی توسعه روستایی بیش‌ازپیش موردنیاز است تا به‌درستی ظرفیت‌ها و اولویت‌های جامعه محلی روشن شود.

مرور ادبیات نظری توسعه روستایی نشان می‌دهد به‌طور سنتی، تکیه بر بخش کشاورزی مهم‌ترین راهبرد توسعه روستایی است (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲). اما در دنیای نوین و شرایط اقتصادی جدید، گرچه بخش کشاورزی به‌عنوان منبع اصلی تأمین مواد غذایی و کسب‌وکار قشر وسیعی از جامعه مطرح است (Jamini et al, 2013: 445)، اما در شکل سنتی بخش کشاورزی توان تأمین نیازهای لازم برای توسعه روستایی و تأمین اشتغال کافی را ندارد (Morris et al, 2017: 132).

برخی دیگر از پژوهشگران بر توسعه و گسترش کارآفرینی به عنوان یکی دیگر از راهبردهای توسعه در نواحی روستایی تأکید می‌کنند. از نظر این دسته از محققان کارآفرینی نماد تلاش و موفقیت و همچنین، منشأ تحولات بزرگ در زمینه‌های تولیدی، خدماتی، تجاری و نیز، موتور محرک توسعه، پیشرفت اقتصادی، ایجاد شغل و اصلاح اجتماع محسوب می‌شوند (Urbano et al, 2010: 5). بنابراین توجه به توسعه کارآفرینی راهکار مناسبی برای برون‌رفت از چالش‌های جامعه روستایی است (Nagler and Naude, 2017: 175).

گروهی دیگر از محققان، توسعه گردشگری را به عنوان مهم‌ترین راهبرد توسعه نواحی روستایی مطرح کرده‌اند. از نظر این دسته از صاحب‌نظران گردشگری به عنوان بزرگ‌ترین و سریع‌ترین صنعت دنیا، دارای رشدی پایان‌ناپذیر و فزاینده است (Skuras et al, 2006: 183) و می‌تواند نقش کلیدی را در

توسعه روستایی ایفا نماید (Rosa, 2002: 1001). بر این اساس از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار رشد و توسعه مناطق روستایی یاد می‌کنند (Pina & Delfa, 2005: 951).

از دیگر راهبردهای توسعه جوامع روستایی، توسعه و گسترش صنایع است که در اغلب کشورهای جهان مورد توجه واقع شده است. توسعه صنایع روستایی می‌تواند به افزایش رفاه عمومی و کاهش فقر و ایجاد اثرات تکاثری در دیگر ابعاد توسعه، زمینه ایجاد فضای زیستی مناسب در ابعاد محیطی، اجتماعی و فرهنگی روستاییان را فراهم کند. از این‌رو، امروزه صنعت به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی و محوری توسعه، مخصوصاً توسعه مناطق محروم، مورد توجه صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان روستایی قرار گرفته است. زیرا عوامل تولید در بخش صنعت بر خلاف بخش کشاورزی از قابلیت جابجایی و انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار هستند (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۸).

از زمان برگزاری اجلاس سران در ریودوژانیرو در ۱۹۹۲ و دستور کار ۲۱ و نیز در اجلاس ژوهانسبورگ در سال ۲۰۰۲، رویکرد مشارکت دولتی و خصوصی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار برای کمک به ارتقای سطح توسعه پایدار مطرح شده است. در رویکرد مشارکت بخش دولتی و خصوصی بازیگران دو یا چند حوزه (دولت، بازار و جامعه مدنی) در یک نظام غیره سلسله‌مراتبی، در جهت رسیدن به پایداری باهم به توافق رسیده و در راستای ارتقای آن تلاش نمایند (Bjarstig and Sandstrom, 2017: 58). بنابراین توسعه روستایی نیز که به‌صورت روزافزونی به مشارکت کلیه بازیگران برای ساماندهی منابع طبیعی و انسانی در راستای اهداف مشترک نیاز دارد (Milone et al, 2018: 80).

در ارتباط با موضوع مورد مطالعه در پژوهش بدری و همکاران (۱۳۹۶) اثرات بازارچه‌های مرزی بر ارتقای شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین باشماق مریوان بررسی شده که نشان می‌دهد احداث بازارچه‌های مرزی و بسته شدن مرزها، کسب درآمد و اشتغال روستاییان ساکن در مرز را به‌شدت کاهش داده است و حتی به‌تدریج در کاهش جمعیت روستایی موثر بوده است. جمینی و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی راهبردهای توسعه اشتغال در سکونتگاه‌های روستایی دهستان بدر واقع در شهرستان روانسر، چگونگی توسعه اشتغال به بهره‌گیری از قوت‌ها و کاهش ضعف‌ها را نشان داده‌اند. Kuslu (۲۰۰۸) در پژوهشی اثرات پروژه آبیاری بر کاهش مهاجرت در منطقه ارز روم ترکیه را نشان داده است. به این صورت که پروژه به بهبود بهره‌وری کشاورزی، افزایش سطح فعالیت، جلوگیری از مهاجرت روستاییان و در نهایت توسعه روستایی منجر شده است. نتایج پژوهش Vidal (۲۰۰۹) با هدف بررسی توسعه روستایی در کشورهای اتحادیه اروپا از طریق ابزار و فناوری‌های جدید نشان می‌دهد که پروژه‌های خلاقانه و نوآورانه در حوزه‌های تأسیس شبکه، تسهیل گروه‌ها و فناوری اطلاعات و ارتباطات، تسهیل‌کننده توسعه بلندمدت و پایدار روستاها هستند. نتایج پژوهش Yang et al (۲۰۱۱) با هدف بررسی اثرات پروژه بیوگاز بر اکوسیستم کشاورزی در مناطق روستایی را در کونگچانگ چین نشان می‌دهند که این پروژه به‌عنوان یک منبع انرژی جایگزین انرژی‌های فسیلی، اثرات مثبتی را در توسعه پایدار روستاها داشته است. نتایج پژوهش Szlafsztein (۲۰۱۲) با هدف بررسی اثر پروژه‌های توسعه بر جوامع روستایی کوچک در منطقه آمازون نشان داد پروژه‌های مذکور از طریق سازماندهی، آموزش، افزایش آگاهی، تنوع

انواع و اشکال تولید، در افزایش ظرفیت و سازگاری جوامع محلی و در نتیجه توسعه روستایی نقش موثری داشته است.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد در راستای رسیدن به توسعه روستایی، شیوه‌ها و جنبه‌های مختلفی وجود دارد و با توجه به بنیان‌های جغرافیایی متفاوت حاکم بر مناطق و روستاها، باید برای هر فضای جغرافیایی راهکارهای متناسب با آن فضا را شناسایی و عملیاتی کرد. بنابراین ارائه یک راهبرد و راهکار ثابت برای توسعه سکونتگاه‌های روستایی ممکن است به اتلاف منابع طبیعی، انسانی و سرمایه‌های موجود منجر شود. هر فضای جغرافیایی برنامه‌ریزی عملیاتی درخور و متناسب با بنیان‌های جغرافیایی خود را می‌طلبد و در فرایندی مشارکتی می‌توان راهکارهای عملیاتی متناسب با توسعه روستاها را شناسایی و جهت اجرا ارائه کرد. لازم به یادآوری است که عنصر کلیدی که باید در این زمینه فراموش نشود در نظر گرفتن مشارکت فعال روستاییان در مراحل مختلف مطالعات و اجرای آن است که می‌تواند تضمین‌کننده موفقیت برنامه‌های مطالعاتی و اجرایی توسعه روستایی باشد.

۳ روش تحقیق

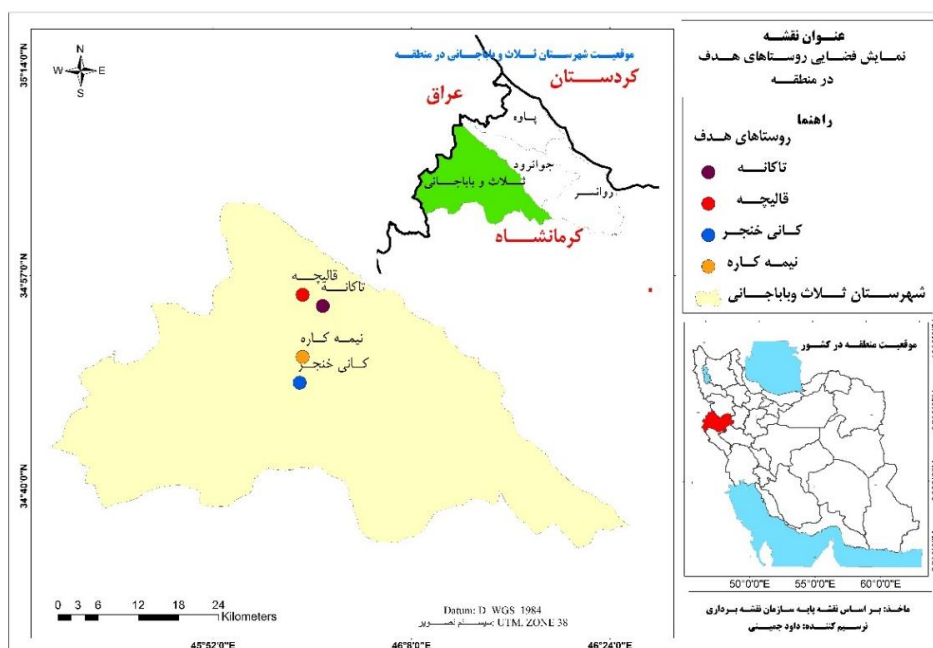
این پژوهش کاربردی با روش توصیفی - تحلیلی و در بازه زمانی ۷ ماهه (دی‌ماه ۱۳۹۶ تا اوایل مردادماه ۱۳۹۷) انجام شده است. محدوده مورد مطالعه، سکونتگاه‌های روستایی واقع در شهرستان ثلاث و باباجانی است که از میان آن‌ها، چهار روستای تاکانه، قالیچه، نیمه‌کاره و کانی خنجر که در زلزله ۱۳۹۶ خسارات زیادی را متحمل شده‌اند، به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. ابزار اصلی پژوهش در گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای است که به صورت مشارکتی و با برگزاری جلسات گروهی و مصاحبه با اهالی تنظیم شده است و با برگزاری چندین جلسه گروهی با روستاییان و افراد سرشناس و مدیران روستایی، اطلاعات موردنیاز گردآوری شد. پس از چند بار اصلاح و با مشارکت فعال روستاییان در فرایند طراحی آن، پرسشنامه نهایی در چهار بخش اصلی تنظیم شد. بخش اول مربوط به اطلاعات روستا شامل جمعیت، وضعیت سواد، اشتغال سرپرستان خانوار، منبع اصلی درآمد، آسیب‌های جانی و جسمی ناشی از زلزله و تخریب مسکن روستاها و بخش دوم مربوط به داده‌های مربوط به همه خانوارها (سرشماری) و بخش سوم مربوط به نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدهای توسعه روستایی بوده که متناسب با شرایط روستاهای مورد مطالعه و در طیف پنج‌قسمتی لیکرت (بسیار کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴، بسیار زیاد=۵) طراحی شد. بخش چهارم پرسشنامه، در قالب چندین پرسش باز، مشکلات جامعه روستایی زلزله‌زده و راهکارهای پیشنهادی از سوی جامعه محلی برای توسعه روستایی و دیگر موارد را شامل می‌شود. پس از تدوین مشارکتی پرسشنامه، ۸ جلسه گروهی (ترکیبی از شورا، دهیار، معتمدین و افراد سرشناس روستاها) جهت تکمیل پرسشنامه‌ها تشکیل و با همفکری آن‌ها تکمیل شد. در این پژوهش در مرحله نخست شناخت همه‌جانبه‌ای از ویژگی‌های روستاها (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و کالبدی) به دست آمد؛ در مرحله بعد با استفاده از نتایج پرسشنامه مهم‌ترین نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای روستاها شناسایی شده و با استفاده از مدل سوات استراتژی توسعه روستایی در محدوده

مطالعاتی، از دیدگاه روستاییان و با رویکرد مشارکتی ترسیم شد. در مرحله پایانی، گروه کارشناسان و متخصصان توسعه روستایی با در نظر گرفتن وضعیت موجود و با دیدگاه توسعه پایدار، راهکارها و پیشنهادهای روستاییان را پالایش و بازبینی کرده و در نهایت پروژه‌های عملیاتی برای توسعه روستاها تعریف و اولویت‌بندی شد. قلمرو مطالعاتی (شکل ۱)، چهار روستای قالیچه، تاکانه، نیمه‌کاره و کانی خنجر واقع در شهرستان ثلاث و باباجانی است که بر اساس نتایج آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، شامل ۲۵۱ خانوار و ۹۹۵ نفر جمعیت می‌باشند (جدول ۱). این روستاها تقریباً در ۱۵ کیلومتری نقطه صفر مرزی با کشور عراق قرار دارند و قبل از بسته شدن مرزها در سال گذشته، منبع اصلی تأمین درآمد آن‌ها، فعالیت و تجارت خرد مرزی بوده است. علی‌رغم محرومیت‌های اقتصادی، زیرساختی، اجتماعی و ...، در آبان ماه سال ۱۳۹۶ زلزله مخربی در این منطقه روی داد که فوت ۶ نفر در روستای نیمه‌کاره، مصدومیت شدید بیش از ۳۰ نفر و نیز تخریب و آسیب جدی به همه واحدهای مسکونی روستاها را در پی داشت.

جدول ۱. تقسیم‌بندی‌های سیاسی و ویژگی‌های جمعیتی روستاهای مورد مطالعه

شهرستان	بخش	دهستان	روستا	موقعیت	فاصله از مرکز شهرستان	خانوار	جمعیت	مرد	زن
ثلاث و باباجانی	مرکزی	خانه شور	نیمه‌کاره	پایکوهی	۳۱ کیلومتر	۹۴	۳۴۱	۱۸۲	۱۵۹
			کانی خنجر		۲۷ کیلومتر	۴۱	۱۵۲	۷۸	۷۴
			قالیچه		۳۰ کیلومتر	۱۰۹	۴۷۸	۲۴۸	۲۳۰
			تاکانه		۳۰ کیلومتر	۷	۲۴	۱۰	۱۴
مجموع	-	-	-	-	-	۲۵۱	۹۹۵	۵۱۸	۴۷۷

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵.



شکل ۱. موقعیت روستاهای مورد مطالعه

۴ یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های عمومی روستاها

از دید جمعیت (جدول ۲)، روستاهای زلزله‌زده و مرزی مورد مطالعه، دارای روند کاهشی جمعیت بوده‌اند، به طوری که جمعیت این روستاها از ۱۱۷۹ نفر در سال ۱۳۸۵، به ۹۹۵ نفر در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته و دارای درصد کاهش سالیانه ۱/۶۸- بوده‌اند. این وضعیت برای پایداری جمعیت در مرزهای کشور، می‌تواند به‌عنوان چالش مهمی مطرح گردد. دلیل اصلی این وضعیت را می‌توان به نبود فرصت‌های شغلی، فقر و کمبود درآمد، ضعف زیرساخت‌های آموزشی، ارتباطی و بهداشتی نسبت داد که در نهایت به مهاجرت روستاییان به شهرها منجر شده است. بی‌گمان پس از زلزله چالش‌ها و مشکلات جامعه روستایی در فضای مرزی ناپایدارتر شده است و در صورت تداوم می‌تواند روند مهاجرت و کاهش جمعیت را تشدید نماید.

جدول ۲. روند تغییرات جمعیتی در روستاهای مورد مطالعه

روستا	جمعیت در دوره‌های آماری			درصد رشد سالانه جمعیت
	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	
قالیچه	۵۷۳	۴۳۸	۴۷۸	-۱/۸
تاکانه	۸۴	۴۹	۲۴	-۱۱/۷۸
نیمه‌کاره	۳۷۲	۲۱۰	۳۴۱	-۰/۸۷
کانی خنجر	۱۵۰	۹۷	۱۵۲	۰/۱
مجموع	۱۱۷۹	۷۹۴	۹۹۵	-۱/۶۸

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵.

یافته‌های حاصل شده نشان می‌دهد حدود ۴۳ درصد مردان سرپرست خانوار، بی‌سواد بوده و بقیه دارای تحصیلات در سطح ابتدایی و راهنمایی هستند و حدود ۵۳ درصد زنان سرپرست خانوار، بی‌سواد بوده و بقیه دارای تحصیلات در سطوح ابتدایی و راهنمایی هستند. در ارتباط با وضعیت شغلی سرپرستان خانوار، یافته‌ها نشان داد حدود ۳۹ درصد بیکار بوده و در میان افراد شاغل، کارگری در شهرهایی مانند اهواز، سرعین، عسلویه، تهران، کرج، منجیل شغل اکثر روستاییان است. همچنین یافته‌ها نشان داد منبع اصلی تأمین معیشت حدود ۹۰ درصد خانوارها، یارانه است. در خصوص آسیب‌ها ناشی از زلزله یافته‌ها نشان داد ۶ نفر از اهالی روستای نیمه‌کاره بر اثر زلزله جان خود را از دست داده و ۳۳ نفر دچار مصدومیت جدی شده‌اند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد در اثر زلزله اخیر در مجموع ۶۰ درصد واحدهای مسکونی روستاهای مورد مطالعه به‌صورت کامل تخریب شده و بقیه واحدها به شدت آسیب دیده‌اند.

شناسایی استراتژی توسعه روستاهای زلزله‌زده مرزی

نتایج تجزیه و تحلیل نقاط قوت توسعه روستایی در محدوده مطالعاتی نشان می‌دهد (جدول ۳) در بین ۲۵ مؤلفه واقع در نقاط قوت، سه مؤلفه کسب درآمد، اشتغال و تأمین کالای مورد نیاز از طریق مرز با

وزن نهایی^۱ مشابه ۰/۲۵۴، بیشترین وزن را به خود اختصاص داده‌اند. دیگر نقاط قوت موردبررسی مانند همکاری، مشارکت، اعتماد بین روستاییان و همکاری با ساکنان روستاهای مجاور، که به‌نوعی از متغیرهای تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی هستند، در جهت توسعه روستایی در محدوده مطالعاتی دارای اهمیت قابل توجهی هستند. همچنین از ۳۱ مؤلفه قرار گرفته در نقاط ضعف (جدول ۳)، چهار مؤلفه بیکاری، نداشتن سرمایه نقدی، تخریب منازل مسکونی و تخریب محل نگهداری دام با وزن نهایی مشابه ۰/۱۵۰، بیشترین وزن را دارند. البته دیگر نقاط ضعف موردبررسی مانند بسته شدن مرز و از دست رفتن مشاغل و کاهش درآمد نیز دارای اهمیت قابل توجهی هستند.

جدول ۳. نتایج تجزیه و تحلیل عوامل داخلی مؤثر بر توسعه روستایی

وزن نهایی	نقاط ضعف	وزن نهایی	نقاط قوت
۰/۱۵۰	بیکاری	۰/۲۵۴	کسب درآمد روستاییان از طریق مرز
۰/۱۵۰	نداشتن سرمایه نقدی	۰/۲۵۴	اشتغال روستاییان از اقتصاد مرز
۰/۱۴۴	بسته شدن مرز و از دست رفتن مشاغل	۰/۲۵۴	تأمین کالای موردنیاز از مرز
۰/۰۸۰	کندی روند بازسازی	۰/۱۵۱	تعداد نیروی کار در روستا
۰/۱۴۴	بسته شدن مرز و کاهش درآمد	۰/۰۹۷	تعداد نیروی کار متخصص در روستا
۰/۰۹۰	نداشتن حرفه و تخصص شغلی	۰/۰۲۶	میزان کسب درآمد از باغات
۰/۱۰۸	نبود فرصت شغلی	۰/۰۲۷	سرمایه نقدی روستاییان
۰/۰۷۵	دسترسی دشوار به تسهیلات بانکی	۰/۱۴۳	مالکیت دام
۰/۰۶۷	مقرون‌به‌صرفه نبودن دامداری	۰/۰۳۷	تولید فراورده‌های لبنی (شیر، روغن و ...)
۰/۰۶۷	مقرون‌به‌صرفه نبودن زراعت و باغداری	۰/۱۱۷	میزان زمین در اختیار روستاییان
۰/۰۸۴	مهاجرت و کاهش جمعیت روستا	۰/۰۷۲	میزان باغات در اختیار روستاییان
۰/۰۹۸	احساس محرومیت	۰/۰۴۱	تنوع شغلی در روستا
۰/۰۹۸	پریشانی و اضطراب	۰/۰۷۲	تخصص زنان در قالی‌بافی
۰/۱۰۸	خشک شدن منابع آب روستا	۰/۱۵۹	همکاری و مشارکت بین روستاییان
۰/۱۵۰	تخریب منازل مسکونی	۰/۱۵۹	اعتماد روستاییان به یکدیگر
۰/۱۵۰	تخریب محل نگهداری دام	۰/۱۵۱	همکاری با ساکنان روستاهای مجاور
۰/۰۶۹	تخریب مکان‌های عمومی روستا	۰/۰۹۵	زمین باکیفیت برای زراعت و باغداری
۰/۰۷۷	کاهش مراتع و چراگاه‌ها	۰/۰۵۱	مناسب بودن شیب زمین‌ها
۰/۰۵۸	ضعیف بودن خدمات آموزشی	۰/۰۴۰	دسترسی به منابع آب
۰/۰۴۹	خدمات خانه بهداشت	۰/۰۲۳	جاذبه گردشگری در روستا
۰/۰۴۳	خدمات آب و برق	۰/۱۵۱	پوشش جنگلی و مرتع
۰/۰۶۳	کیفیت کم معابر درون روستا	۰/۰۷۲	ذخایر سنگ آهک و ماسه
۰/۰۹۰	کیفیت پایین جاده‌های بین روستایی	۰/۱۵۶	نزدیکی به جاده‌های ارتباطی
۰/۱۳۴	نبود و دوری از بازار و فروشگاه	۰/۰۳۶	وجود گیاهان دارویی
۰/۱۰۵	نبود کارگاه و کارخانه	۰/۰۳۰	ریزش باران و برف در زمان مناسب
۰/۰۶۷	فعال نبودن صندوق‌های اعتباری خرد		

^۱ - جهت رعایت اختصار، از ذکر اعداد مربوط به ضریب اولیه، ثانویه و رتبه مولفه‌ها، خودداری شده است.

۰/۰۷۲	سرمایه‌گذاری ناچیز بخش دولتی		
۰/۰۷۲	عدم توجه بخش خصوصی به فعالیت در این روستاها		
۰/۰۶۷	فعال نبودن تعاونی‌های روستایی		
۰/۰۲۷	ناامنی جانی در مرز		
۰/۰۳۰	ناامنی مالی در مرز		
۲/۷۹۲	مجموع	۲/۶۷۰	مجموع

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

نتایج تجزیه و تحلیل فرصت‌های توسعه روستایی نشان می‌دهد از ۱۳ فرصت شناسایی شده (جدول ۴)، استفاده از پروژه انتقال آب برای توسعه کشاورزی با وزن نهایی ۰/۴۳۰ و توسعه باغات و ترویج و توسعه دامداری (دام سبک) با وزن نهایی مشابه ۰/۳۰۱، بیشترین وزن را دارند. دیگر فرصت‌ها مانند احداث بازارچه محلی، ترویج و توسعه صنایع دستی و فراورده‌های دامی برای بازار داخلی و صادرات به کشور عراق نیز دارای اهمیت قابل توجهی هستند. همچنین در میان ۱۳ تهدید شناسایی شده (جدول ۴)، خالی از سکنه شدن روستا، کاهش جمعیت جوان روستا و مهاجرت روستاییان به ترتیب با وزن نهایی ۰/۴۵۵، ۰/۴۳۵ و ۰/۴۰۱، بیشترین وزن را دارند. دقت در ماهیت تهدیدهای شناسایی شده نشان می‌دهد در صورت بی‌توجهی به آن‌ها، پایداری و نگهداشت جمعیت در این فضاها، مرزی، با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد.

جدول ۴. نتایج تجزیه و تحلیل عوامل خارجی مؤثر بر توسعه روستایی

وزن نهایی	تهدیدها	وزن نهایی	فرصت‌ها
۰/۴۰۱	مهاجرت روستاییان	۰/۳۰۱	مکان توسعه باغات
۰/۴۳۵	کاهش جمعیت جوان روستا	۰/۲۳۰	احداث صنایع تبدیلی و تکمیلی
۰/۰۲۵	گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر و الکلی	۰/۲۸۷	احداث بازارچه محلی
۰/۳۳۶	گرایش به مهاجرت از روستا	۰/۲۸۸	ترویج و توسعه صنایع دستی
۰/۰۳۳	گرایش جوانان روستا به مهاجرت به کشور عراق	۰/۲۷۵	ترویج و توسعه صنایع دستی برای بازار
۰/۲۳۱	کاهش سطح رفاه و کیفیت زندگی روستاییان	۰/۳۰۱	ترویج و توسعه دامداری (دام سبک)
۰/۲۶۶	از بین رفتن تدریجی منابع محیطی (مرتع و پوشش جنگلی)	۰/۲۵۸	تولید فراورده‌های دامی برای صادرات به عراق
۰/۱۴۰	آتش‌سوزی مراتع به واسطه از بین رفتن دامداری	۰/۰۳۹	توسعه گردشگری روستایی
۰/۱۲۴	فشار بر شهرهای هم‌جوار به واسطه مهاجرت روستاییان	۰/۴۳۰	استفاده از پروژه انتقال آب برای توسعه کشاورزی
۰/۲۲۱	کاهش اعتماد به نهادهای متولی	۰/۱۳۲	کاشت و پرورش گیاهان دارویی
۰/۰۳۸	گرایش جوانان به همکاری با گروه‌های معاند	۰/۱۲۳	استفاده از پروژه انتقال آب برای پرورش ماهی
۰/۱۲۴	گرایش جوانان به قاچاق لوازم غیرقانونی	۰/۲۳۲	تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه روستاییان
۰/۴۵۵	خالی از سکنه شدن روستا	۰/۲۰۲	تشکیل تعاونی‌های روستاییان
۲/۹۳۰	مجموع	۳/۱	مجموع

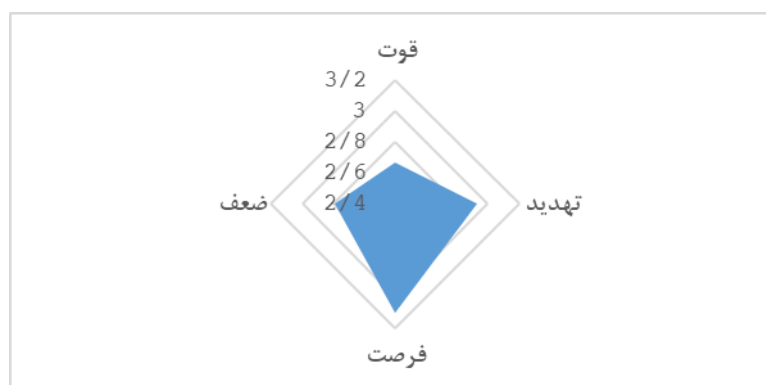
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

در بررسی تطبیقی در مدل سوات از نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای شناسایی شده، جهت ارائه استراتژی‌های مناسب، ضریب نهایی هر یک از بخش‌های چهارگانه محاسبه شد و با استفاده از نمودار تارنکبوتی نمایش داده شده است (جدول ۵ و شکل ۲). کشیدگی نمودار به سمت فرصت‌های توسعه روستایی نشان می‌دهد که با وجود نقاط ضعف و تهدیدهای توسعه روستایی، کماکان وزن نهایی فرصت‌های توسعه روستایی بیشتر است و این فرصت‌های بالقوه با برنامه‌ریزی منسجم می‌تواند به توسعه و پایداری جمعیت این سکونتگاه‌ها کمک کند.

جدول ۵. امتیاز نهایی شاخص‌های چهارگانه

شاخص	امتیاز نهایی
قوت‌ها	۲/۶۷
ضعف‌ها	۲/۷۹۳
فرصت‌ها	۳/۱
تهدیدها	۲/۹۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷



شکل ۲. بررسی تطبیقی نقاط چهارگانه مورد بررسی در مدل سوات

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

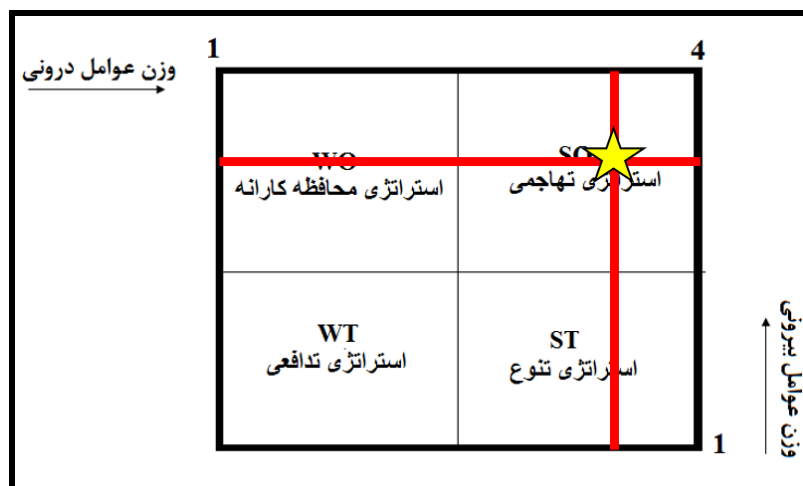
مشخص شدن وضعیت کلی نقاط چهارگانه مدل سوات، تحلیل عوامل استراتژیک را ممکن می‌سازد. طی این فرایند عواملی که دارای بالاترین وزن نهایی بوده‌اند، از دیگر عوامل تفکیک شده‌اند (جدول ۶). در واقع این عوامل، مبنا و پایه‌ی تدوین استراتژی در جهت توسعه روستایی در محدوده مطالعاتی هستند.

جدول ۶. نتایج تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک

وزن نهایی	عوامل استراتژیک	وزن نهایی	عوامل استراتژیک
۰/۱۴۴	پسته شدن مرز و کاهش درآمد	۰/۲۵۴	کسب درآمد روستاییان از طریق مرز
۰/۴۳۰	استفاده از پروژه انتقال آب برای توسعه کشاورزی	۰/۲۵۴	اشتغال روستاییان از اقتصاد مرز
۰/۳۰۱	مکان توسعه باغات	۰/۲۵۴	تأمین کالای مورد نیاز از مرز
۰/۳۰۱	ترویج و توسعه دامداری (دام سبک)	۰/۱۵۹	همکاری و مشارکت بین روستاییان
۰/۲۸۸	ترویج و توسعه صنایع دستی	۰/۱۵۹	اعتماد روستاییان به یکدیگر
۰/۲۸۷	احداث بازارچه محلی	۰/۱۵۰	بیکاری
۰/۴۵۵	خالی از سکنه شدن روستا	۰/۱۵۰	نداشتن سرمایه نقدی
۰/۴۳۵	کاهش جمعیت جوان روستا	۰/۱۵۰	تخریب منازل مسکونی
۰/۴۰۱	مهاجرت روستاییان	۰/۱۵۰	تخریب محل نگهداری دام
۰/۳۳۶	گرایش به مهاجرت از روستا	۰/۱۴۴	پسته شدن مرز و از دست رفتن مشاغل

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

در ادامه ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌های اجرایی تهیه شده که بدین منظور تقاطع مجموع وزن نهایی عوامل داخلی و خارجی مورد بررسی بر روی شکل پایه در مدل سوات طراحی شده است. در واقع با مشخص شدن تقاطع مجموع وزن نهایی عوامل داخلی و خارجی راهبرد مناسب برای توسعه روستایی مشخص شده است (شکل ۳). در بین چهار استراتژی موجود، استراتژی رقابتی - تهاجمی، مناسب‌ترین استراتژی جهت توسعه روستایی محدوده مطالعاتی است.



شکل ۳. تعیین اولویت استراتژی بر اساس روش IEA

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

لازم به ذکر است در راهبرد رقابتی - تهاجمی، تمرکز بر حداکثر - حداکثر یا بر نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی استوار است. در واقع استراتژی‌هایی هستند که بر پایه بررسی راه‌هایی که یک مجموعه می‌تواند برای بهره‌گیری از نقاط قوت خود و به منظور سود بردن از فرصت‌ها بپیماید، طراحی و ساخته

می‌شوند. این راهبرد، برخلاف راهبردهای دفاعی که یک راه‌حل واکنشی (عکس‌العمل) هستند، راهبرد تهاجمی بوده و یا در واقع یک راه‌حل کنشگر (عمل) است؛ بنابراین با استناد به استراتژی شناسایی شده برای توسعه روستایی در محدوده مطالعاتی باید تکیه محققان بر نقاط قوت و فرصت‌هایی مانند کسب درآمد، اشتغال و تأمین کالای موردنیاز از راه مرز، همکاری، مشارکت و اعتماد میان روستاییان، فرصت استفاده از پروژه انتقال آب برای توسعه کشاورزی و توسعه باغات، ترویج و توسعه دامداری (دام سبک)، ترویج و توسعه صنایع دستی و ... باشد.

مهم‌ترین چالش‌ها و راهکارهای توسعه روستایی از دیدگاه جامعه محلی

برای شناخت بیشتر وضع موجود از دیدگاه جامعه محلی، در این بخش مهم‌ترین چالش‌ها و راهکارهای توسعه روستایی از نگاه جامعه محلی بررسی شده است. از دیدگاه جامعه محلی بسیاری از چالش‌های توسعه روستایی (جدول ۷) به سه عامل زمین‌لرزه اخیر، بسته شدن مرز و گذر تونل انتقال آب قطعه ۲ نوسود - گرد قاسمان مربوط می‌شود که هر یک از این عوامل مشکلات فراوانی را برای جامعه مرزنشین به وجود آورده است.

جدول ۷. مهم‌ترین مشکلات از نگاه ساکنان روستاهای زلزله‌زده و مرزی

ردیف	چالش	ردیف	چالش
۱	ویرانی فضای مسکونی و معیشتی در اثر زمین‌لرزه	۷	کم‌توجهی / بی‌توجهی مسئولین و مدیران به مشکلات روستاییان
۲	روند کند بازسازی و بالا رفتن هزینه بازسازی (اعم از وام و لوازم ساختمانی)	۸	افزایش سطح اضطراب و پریشانی و افسردگی پس از زمین‌لرزه در میان برخی گروه‌های سنی به‌ویژه سالخوردگان، کودکان و زنان
۳	بسته شدن مرز و قطع شدن سرچشمه امرامعاش	۹	دوری از مراکز خرید، هزینه بالای رفت‌وآمد به شهر
۴	بنیه مالی ضعیف جهت بازسازی خانه‌ها	۱۰	ضعف زیرساخت‌های بهداشتی، آموزشی و تفریحی
۵	بیکاری و نبود منبع کسب‌وکار	۱۱	مقرون‌به‌صرفه نبودن کار کشاورزی و دامی در روستا
۶	کاهش شدید منابع آب و خشک شدن چشمه‌ها به‌واسطه گذر تونل انتقال آب از نزدیکی روستا	۱۲	ضعف خدمات زیرساختی به‌ویژه جاده‌های میان روستایی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

در ادامه از دیدگاه جامعه محلی، راهکارهای پیشنهادی آن‌ها برای توسعه روستایی بررسی شده است. دقت در ماهیت راهکارهای پیشنهادی از سوی روستاییان (جدول ۸) آشکارکننده این مطلب است که بیشتر راهکارهای ارائه‌شده در راستای راهبرد رقابتی - تهاجمی (مستخرج از نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید) بوده و به‌نوعی راهکارهای ارائه‌شده به‌خوبی در راستای راهبرد شناسایی شده هستند. بازبینی کوتاه راهکارهای شناسایی شده نشان می‌دهد که راهکارهای ارائه‌شده روستاییان بیشتر بر محورهای حمایتی - اقتصادی درباره بازسازی پس از زمین‌لرزه، بازگشایی مرز و امکان استفاده از پروژه انتقال آب و همچنین محورهای اجتماعی درباره برگزاری دوره‌های آموزشی تاب‌آوری در برابر زمین‌لرزه و فن‌آموزی و محور زیرساختی درباره واگذاری امکانات زیرساختی به روستاییان، تأکید دارد.

جدول ۸. برجسته‌ترین راهکارهای روستاییان برای توسعه روستایی

ردیف	راهکار
۱	کمک‌های مالی بلاعوض و وام بدون بهره برای ساخت خانه‌ها و فضای معیشتی تخریب‌شده
۲	بازگشایی (مشروط) مرز برای امرارمعاش روستاییان
۳	فراهم کردن امکان استفاده روستاییان از پروژه انتقال آب برای توسعه کارهای کشاورزی
۴	برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی تاب‌آوری در برابر بلایای طبیعی با تأکید بر زمین‌لرزه
۵	برگزاری دوره آموزشی صنایع دستی به‌ویژه در زمینه قالی‌بافی، فرش‌بافی و گیوه‌بافی برای به‌کارگیری نیروی کار زنان و افزایش گوناگونی شغلی در روستا
۶	بهبود کیفیت جاده‌های میان روستایی
۷	افزایش سطح خدمات بهداشتی و درمانی در سطح روستا
۸	همکاری بیشتر جهاد کشاورزی با روستاییان برای خرید ابزار کشاورزی
۹	ساخت فضای عمومی و پارک جهت گذران اوقات فراغت روستاییان به‌ویژه کودکان و نوجوانان روستا
۱۰	پشتیبانی دامپزشکی و جهاد کشاورزی از دامداران به‌ویژه در زمینه پیشگیری از بیماری

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

پالایش و ارائه پروژه‌های عملیاتی توسعه روستایی با رویکرد مشارکتی

با توجه به فراهم شدن شناخت همه‌جانبه از وضعیت موجود روستاهای زلزله‌زده مرزی و بازگفت دیدگاه جامعه محلی درباره توانمندی‌های و چالش‌های توسعه روستایی و همچنین راهکارهای پیشنهادی از سوی آن‌ها، دستاورد نشست‌های مشارکتی را به روستاییان واگذار کرده و با همکاری و هم‌اندیشی با آن‌ها و کارشناسان برنامه‌ریزی روستایی و منطقه‌ای، پروژه‌های عملیاتی زیر را برای رسیدن به توسعه روستایی دانسته‌اند. نیاز به یادآوری است پروژه‌های پیشنهادی نیز در یک نشست گروهی به روستاییان واگذار شده و پس انجام اصلاح جزئی، به دست مردم به تأیید نهایی رسید. همان‌طور که عنوان شد پروژه‌های پیشنهادی با مشارکت فعال روستاییان و همفکری با متخصصان توسعه روستایی شناسایی و ارائه شده است و در همه مراحل بررسی بالا، اصول برنامه‌ریزی مشارکتی در نظر گرفته شده است.

الف) برنامه‌های اجرایی و عملیاتی در بعد اقتصادی

۱- بهره‌مندی روستاها از سامانه انتقال آب منطقه‌ای برای توسعه اقتصادی کشاورزی: زیرساخت‌های آبیاری نزدیک ۲۰۰ هکتار باغ زیتون در دو روستای تاکانه و قالیچه در سال‌های گذشته با بی‌توجهی از بین رفته و یا به‌شدت آسیب‌دیده است. شاید یکی از علل بی‌توجهی روستاییان به باغ‌ها، رونق کسب‌وکار مرزی غیررسمی در چند سال گذشته بوده است. با توجه به عبور رودخانه گرده‌قاسمان از پایین‌دست دو روستای تاکانه و قالیچه، تجهیز و تعمیر ادوات انتقال آب و راه‌اندازی سامانه آبیاری هوشمند باغ‌های زیتون می‌تواند تأثیر اقتصادی چشمگیری داشته باشد. با توجه به وسعت زمین‌ها و امکان افزایش سطح زیر کشت، توسعه این پروژه می‌تواند با تکمیل زنجیره تولید به رونق اقتصادی منجر گردد. در مصاحبه با مردم اشاره شد که عبور تونل پروژه انتقال آب قطعه ۲ نوسود - گرده قاسمان از

منطقه، برخی چشمه‌های موقت و دائمی را خشکانده و روستاییان را با چالش مواجه کرده است. در چنین شرایطی زلزله منابع معیشتی و دارایی‌های روستاییان را دچار چالش دوچندان کرده است.

۲- ساماندهی فعالیت‌های اقتصادی مرز و بهره‌مندی هدفمند روستاییان: برخورداری سامان‌دهی شده روستاییان از مزیت‌های اقتصادی مرز می‌تواند یکی از راهکارهای اصلی خروج از فقر و توسعه روستایی باشد. زلزله آسیب‌های اقتصادی و زیرساختی و حتی جسمی و روحی سنگینی را بر جامعه روستایی مرزنشین تحمیل نموده و برای برون‌رفت از این وضعیت و یا حداقل کاهش آسیب‌های واردشده، می‌توان با برآورده کردن خواسته‌های روستاییان مرزنشین، به بازآفرینی این سکونتگاه‌های روستایی کمک شایانی نمود. ساکنان دارای پیوند خانوادگی و فامیلی با مرزنشینان آن‌سوی مرز در کشور عراق هستند که خود می‌تواند در تبادلات مرزی مؤثر باشد. مرزی بودن اگرچه دارای محدودیت‌ها و تهدیدهایی است اما می‌تواند با فراهم نمودن زمینه تبادل کالا میان افراد ساکنان دو سوی مرز، منافع را برای آن‌ها به همراه داشته باشد. این ارتباط که دارای ریشه تاریخی بوده و با اقتصاد روستاییان پیوند خورده را می‌توان با نهادهای مسئول ساماندهی کرد و به‌صورت کنترل‌شده، فرصت‌ها را برای روستاییان مهیا نمود.

۳- توسعه و گسترش فعالیت صنایع دستی و خرده مشاغل خانگی: گرایش زنان روستایی به مشارکت در فعالیت اقتصادی و کمک به اقتصاد خانوار در کارهایی چون فرش‌بافی و گیوه‌بافی فرصتی مناسب برای توسعه روستایی است و ظرفیت‌سازی و نهادسازی در زمینه اقتصادی صنایع دستی ضروری است. باوجود تجربه سنتی زنان در زمینه فرش‌بافی و گیوه‌بافی، لازم است آموزش‌های نوین به آن‌ها ارائه و در کنار آن لوازم و تجهیزات جدید در اختیار آن‌ها قرار داده شود. با توجه به اعلام آمادگی اهالی برای اهدای رایگان زمین جهت شروع این نوع از فعالیت‌ها، لازم است در درون بافت هر روستا فضا و محیطی مناسب و قابل‌دسترس برای همه زنان را فراهم نمود که زنان روستایی بتوانند در این زمینه فعالیت نمایند. برای بازاریابی بهینه محصولات تولیدی، شکل‌گیری تعاونی‌های محلی برای عرضه داخلی و خارجی می‌تواند راهگشا باشد.

۴- توسعه و افزایش کارایی دامداری: با توجه به محدودیت‌های مراتع در منطقه و همزمان رواج نسبی دامداری سنتی در میان آن‌ها و همچنین صرفه اقتصادی ناچیز این نوع دامداری و اتکای بخش چشمگیری از خانوارهای کم درآمد به آن، اصلاح نژاد دام و ترویج و حمایت از پرورش دام‌های اصلاح‌نژاد شده و تقویت دامداری به سمت روش‌های نوین می‌تواند در ارتقا اقتصاد محلی مؤثر باشد. از جمله آموزش شیوه‌های به روز پرورش دام و نوآوری و تحول برای کارایی بیشتر می‌تواند به دگرگونی اقتصاد خانوار بیانجامد.

ب) برنامه‌های اجرایی و عملیاتی در بعد اجتماعی

۱- کارگاه‌های مدیریت و کاهش استرس و کنترل بیماری‌های روانی برای گروه‌های اجتماعی مختلف: رخ دادن بیش از ۱۶۰۰ پس‌لززه، چنان حس دلهره و اضطرابی را در میان روستاییان به وجود آورده است که بسیاری از ساکنان را دچار اختلال روانی نموده است. با توجه به آسیب‌های جسمی و

روحي كارگاه کاهش استرس و اضطراب به‌ویژه برای زنان و کودکان می‌تواند حس امیدواری و سرزندگی را در میان روستاییان تقویت نماید.

۲- برگزاری کارگاه‌های آموزش مهارت‌های زندگی و بهداشت خانواده: با توجه به مشکلات آموزش و تحصیل در سکونتگاه‌های روستایی مرزی و سطح بالای بی‌سوادی و کم‌سوادی در میان سرپرستان خانوار روستایی به‌ویژه زنان، برگزاری کارگاه آموزشی در زمینه آشنایی آن‌ها با آموزش و آینده فرزندان و همچنین آشنایی با بهداشت خانواده می‌تواند در بهبود مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی روستا مؤثر باشد.

۳- برپایی رویدادهای فرهنگی و ورزشی: برای کاهش آسیب‌های روحی و افزایش حس مشارکت و سرزندگی در میان روستاییان، برگزاری مسابقات و در نظر گرفتن هدایا از جمله برای زنان و جوانان و مسابقات سنتی مانند کوهنوردی، آشپزی، طناب‌کشی و فوتبال و مسابقات هنری پیشنهاد شده است.

ج) برنامه‌های اجرایی و عملیاتی در بعد کالبدی و زیست‌محیطی

۱- مقاوم‌سازی ساخت‌وسازها: با توجه به تکرار زلزله و تخریب چندباره واحدهای مسکونی، بازسازی و مقاوم‌سازی واحدهای موجود از اولویت‌های اصلی به شمار می‌رود. در این میان طراحی و اجرای فرایندی دقیق برای بازسازی با مشارکت سازمان نظام‌مهندسی ساختمان و بنیاد مسکن ضروری است.

۲- احداث خانه فرهنگ: نکته جالب توجه در بررسی‌های مشارکتی، اعلام نیاز برای احداث فضا و مکانی عمومی برای برگزاری جلسه‌ها و مراسم عمومی و خانه فرهنگ به‌عنوان یک مکان عمومی است. این اقدام می‌تواند به تقویت و انسجام میان اهالی در راستای توسعه روستایی مشارکتی مؤثر باشد.

۳- جمع‌آوری و مدیریت زباله و پسماند: وجود نخاله‌های ساختمانی مانده از زلزله و نیز انباشت پسماند غیر بهداشتی از جمله پوشاک نامناسب و دست دوم ارسالی کمک‌های مردمی و پلاستیک در کنار روستاها، بدون رعایت اصول بهداشتی، همیاری و برنامه‌ریزی برای گردآوری و مدیریت کارآمد زباله‌ها را از سوی نهادهای مرتبط و جامعه محلی بیشتر کرده است.

۴- ایجاد فضای گذران اوقات فراغت کودکان و نوجوان روستا: با توجه به کمبود فضای سرگرمی و تفریح در روستاها و شیوع تدریجی اضطراب، پریشانی و افسردگی در میان گروه‌های اجتماعی، ساخت مکان با لوازم و تجهیزات لازم برای سرگرمی کودکان و نوجوانان و حتی سالخوردگان می‌تواند در پر کردن اوقات فراغت مؤثر باشد.

۵- ایجاد مراکز درمانی: خانه بهداشت‌های روستاها تخریب‌شده و کارکنان آن به‌صورت موقتی و با امکانات ضعیفی به روستاییان خدمات ارائه می‌دهند. با توجه به شرایط پس از زلزله و احتمال شیوع بیماری‌های گوناگون و نیاز به ارائه خدمات درمانی و بهداشتی ساخت مراکز دائمی از سوی مردم پیشنهاد شده است. با توجه به شرایط می‌توان خانه فرهنگ و مرکز درمانی را در یک مرکز بنا کرد.

۵) نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای روستاهای زلزله‌زده از دیدگاه ساکنان و در یک فرایند مشارکتی است. سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه پیش از زمین‌لرزه دارای تنگنا و ضعف و نابرخورداری از زیرساخت‌های اقتصادی، زیرساختی، آموزشی، بهداشتی، رفاهی و ارتباطی بوده‌اند. هم‌زمان با بسته شدن مرز و از میان رفتن یک منبع کلیدی تأمین معیشت روستایی، زمین‌لرزه ویرانگر آبان‌ماه ۱۳۹۶، چالش را پیچیده‌تر و ناگوارتر کرده است. پیش از زمین‌لرزه، روستاها دارای روند کاهش جمعیت بوده‌اند و با رویداد زمین‌لرزه، چالش‌های روستاییان بیش‌ازپیش شده و چه‌بسا روند مهاجرت شتاب بیشتری خواهد گرفت؛ بنابراین با نمایان شدن این دشواری‌ها، بیشتر روستاهای زلزله‌زده با از دست دادن جمعیت خود و به‌نوعی تخلیه شدن روبرو هستند؛ در این شرایط پرسش پایه‌ای این است که برای پیشگیری از این وضعیت و ماندگاری روستاییان در این منطقه مرزی چه باید کرد؟ در این راستا برنامه‌ریزی هماهنگ و فراگیر در فرایندی مشارکتی برای ارزیابی ظرفیت‌های توسعه مکان و چگونگی بهره‌گیری از آن برای بهبود شرایط زیست پایدار بسیار ضروری است. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد که از دیدگاه روستاییان راهبرد تهاجمی - رقابتی فراخورترین راهبرد است که تأکید آن بر نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی روستاها برای رسیدن به توسعه روستایی است. در این بررسی چالش‌های جامعه روستایی مورد مطالعه و راهکارهای پیشنهادی که در راستای راهبرد شناسایی شد بود و به‌نوعی تأییدکننده نتایج است.

در این بررسی با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی روستاها، برای رسیدن به توسعه روستایی راهکارهای عملیاتی را در سه جنبه اساسی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و کالبدی از سوی ساکنان شناسایی و پیشنهاد شده است. راهکارهای پیشنهادی بیشتر مرتبط با معیشت و شرایط اقتصادی و سپس پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی زلزله بوده است. در واقع پروژه‌های عملیاتی دارای اولویت از نگاه جامعه محلی دو دسته هستند، دسته نخست به نیازهای عمومی روستاهای کم برخوردار و کم توسعه یافته مربوط می‌شوند که بیشتر معیشتی و زیرساختی هستند. دسته دوم برای رفع نیازهای برآمده از زلزله شکل گرفته‌اند که بیشتر جنبه اجتماعی دارند. در این بررسی "مشارکت فعال روستاییان" به‌عنوان حلقه گمشده توسعه روستایی دیده شده است که باید به آن توجه ویژه‌ای شود. با توجه به وزن نهایی قابل قبول متغیرهای مشارکت و همکاری میان روستاییان، می‌توان در راستای پیشبرد اهداف تعیین شده، از متغیرهای سرمایه اجتماعی میان روستاییان به‌خوبی بهره گرفت. نکته قابل توجه این است که ساکنان روستاهای منطقه زلزله‌زده در مدت کمک‌رسانی، ارتباط و آشنایی بیشتری با گروه‌های اجتماعی و مردم شهرها و مناطق کشور پیدا کردند، اگر مزیت‌های مکان آنان را به ماندن در روستا مجاب نکند، این ارتباط و شناخت، انگیزه و توان آنان برای مهاجرت را بیشتر خواهد کرد.

۶ منابع

- ایراندوست، کیومرث، هوشمند علیزاده و روح‌الله تولایی (۱۳۹۲)، مقایسه تطبیقی و تحلیل سطوح توسعه‌یافتگی مناطق روستایی در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ با استفاده از تحلیل عاملی و خوشه‌ای (نمونه موردی: استان کردستان)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال ۳۲، شماره ۱۴۴، صص ۱۰۷-۱۲۳.
- بدری، سیدعلی، علیرضا دربان آستانه و سیما سعدی، (۱۳۹۶)، تأثیر بازارچه‌های مرزی بر ارتقاء شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین مطالعه موردی: مرز باشماق مریوان، برنامه‌ریزی فضایی، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۴۱-۶۲.
- بهرامی، رحمت‌الله، کیومرث حبیبی و رضا قادری (۱۳۹۰)، برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه گردشگری روستایی (مطالعه موردی: مناطق روستایی استان کردستان)، دو فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری (جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای سابق)، دوره ۲، شماره ۳، صص ۶۱-۷۴.
- جمینی، داود، احمد تقدیسی و علیرضا جمشیدی (۱۳۹۳)، شناسایی راهبردهای توسعه اشتغال در مناطق روستایی با استفاده از مدل SWOT (مطالعه موردی: دهستان بدر، شهرستان روانسر)، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، سال ۱، شماره ۴، صص ۱۳۳-۱۴۹.
- حجی‌پور، محمد و فرهاد جوان (۱۳۹۹)، اقتصاد سیاسی افول دامداری در ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۹، شماره ۳۱، صص ۱۹۱-۲۰۱۸.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، حمدالله سجاسی قیداری و سید حسن رضوی (۱۳۸۹)، راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی: مطالعه موردی: روستاهای شهرستان خدابنده، روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۳، صص ۱-۲۹.
- ریاحی، وحید و آذر نوری (۱۳۹۳)، تنوع‌بخشی فعالیت‌های اقتصادی و پایداری روستاها مورد شهرستان خرمدره، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- زیاری، کرامت‌الله، اکبر محمدی و خلیل عطار (۱۳۹۰)، بررسی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های کشور و رابطه آن با نرخ شهرنشینی، مجله برنامه‌ریزی فضایی، سال ۱، شماره ۳، صص ۱۶ - ۱.
- سجاسی قیداری، احمد رومیانی و سمیه صانعی (۱۳۹۳)، ارزیابی و تبیین کارکرد صنایع روستایی در توسعه مورد: دهستان صائین قلعه در شهرستان ابهر، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۳، شماره ۲، صص: ۸۷-۱۰۵.
- صیدایی، اسکندر، داود جمینی و علیرضا جمشیدی، (۱۳۹۳)، تحلیلی بر وضعیت شاخص‌های بهداشتی درمانی در شهرستان‌های استان کرمانشاه با بهره‌گیری از مدل‌های AHP, TOPSIS و تحلیل خوشه‌ای، برنامه‌ریزی فضایی، سال ۴، شماره ۱۲، صص ۴۳-۶۴.
- کریمی، فرزاد و مصطفی احمدوند (۱۳۹۳)، مدل‌سازی سطوح توسعه‌یافتگی مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان بویراحمد، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۱۴، شماره ۳۳، صص ۹۱-۱۱۱.
- Baldwin, C., Smith, T., Jacobson, C (2017). **Love of the land: Social-ecological connectivity of rural landholders**, Journal of Rural Studies 51, 37-52.
- Bjarstig, T., Sandstrom C (2017). **Public-private partnerships in a Swedish rural context - A policy tool for the authorities to achieve sustainable rural development?** Journal of Rural Studies, 49: 58-68.
- Christiaanse, S., Haartsen, T (2017). **The influence of symbolic and emotional meanings of rural facilities on reactions to closure: The case of the village supermarket**, Journal of Rural Studies, 54: 326-336.

- Jamini, D., Amini, A., Ghadermarzi, H., Tavakoli, J (2017). **Challenges of Food Security in Rural Areas Using Grounded Theory Approach in Ravansar County, Western Iran**, *European Journal of Geography*, 8(4): 26 – 40.
- Jamini, D., Ghadermarzi, H., Mafakheri, A., Jamshidi, A., Nikbakht, S (2013). **Investigation and assessment of factors that influence sustainable farming: a case study of rice farmers in Shirvan Cherdavel Town, Ilam province, Iran**, *International Journal of AgriScience*, 3(6), pp: 444-452.
- Kuslu, Y (2008). **Effects of an Irrigation Project in Prevention of Migration from Rural Areas**, *Water Resources Management*, 22(5): 611–619.
- Milone, P., Fuller, T., Ventura, F., Ploeg, J.D.V.D., Rico, N.M.I. (2018). **Constructing a New Framework for Rural Development**, *Journal of Rural Studies*, 57, 78-87.
- Morris, W., Henley, A., Dowell, D (2017). **Farm diversification, entrepreneurship and technology adoption: Analysis of upland farmers in Wales**, *Journal of Rural Studies*, 53: 132-143.
- Nagler, P., Naude, W (2017). **Non-farm entrepreneurship in rural sub-Saharan Africa: New empirical evidence**, *Food Policy*, 67, pp: 175–191.
- Pina I. P. A., Delfa M.T.D., (2005). **rural tourism demand by type of accommodation**, *Tourism Management*, Volume 26, Issue 6, pp: 951-959.
- Riahi, V., Jamini, D. (2018). **A study on the villagers' semantic understanding of functional challenges in rural settlements (Case study: Central District of Ravansar County)**. *Journal of Research & Rural Planning*, 7(2), 1-23.
- Rosa, M (2002). **Rural Tourism in Spain**, *Annals of tourism Research*, 29(4), pp: 1101- 1110.
- Shamsodini, A., Jamini, D., Jamshidi, AR (2016). **Measurement and analysis of social stability in rural areas (Case study: Javanrood Township)**, *Journal of Rural Research*, 7(3), pp: 486-503.
- Skuras, D., Petrou, A., Clark, G (2006). **Demand for rural tourism: the effects of quality and information**, *Agricultural Economics*, vol 35, pp: 183-192.
- Szlafsztein, C. F (2014). **Development projects for small rural communities in the Brazilian Amazon region as potential strategies and practices of climate change adaptation**, *Mitigation and Adaptation Strategies for Global Change*, 19(2): 143–160.
- Urbano, D., Toledano, N., Soriano, D. (2010). **Analyzing social entrepreneurship from an institutional perspective: Evidence from Spain**, *Journal of Social Entrepreneurship*, 1(1), 54-69.
- Vidal, R. V. V (2009), **Rural development within the EU LEADER+ programme: new tools and technologies**, *AI & Society*, 23(4): 575–602.
- Wellbrock, W., Roep, D., Mahon, M., Kairyte, E., Nienaber, B., Dolores, M., García, D., Kriszan, M., Farrell, M (2014). **Arranging public support to unfold collaborative modes of governance in rural areas**, *Journal of Rural Studies*, 32, pp 420-429.
- YANG, J., CHEN, W., CHEN, B (2011). **Impacts of biogas projects on agro-ecosystem in rural areas - A case study of Gongcheng**, *Frontiers of Earth Science*, 5(3): 317–322.